



۵۴

ابتکارات جمشید لاهی، مدیر دبیرستان فردوسی باعث شد دانش آموزان به درس خواندن مشتاق شوند

مهر مدرسه فردوسی پسران توس



عکس: حدیث فقیری/شهرآرا

محسن محمدزاده پای پاچال
تنها نانوایی آخر محله آزادشهر بزرگ شد
یکشنبه‌ها بهترین روز هفته بود

۶



۳

پاسخ شهرداری به درخواست اهالی امیریه
برای آسفالت یک معبر پرتدد
تابستان، عزیزیه نو می شود

۷

مراسم ویژه دهه کرامت
با محوریت حضور دختران در توس برگزار شد
جشن کرامت، عامل همبستگی

همسایه به همسایه، دیدار بیست و ششم، کوچه قائم مقام ۴۶

همدلی قائم مقامی ها

فاطمه سیرجانی همسایه های قدیمی قائم مقام فراهانی ۴۶ تقریباً همه بایکی دو سال فاصله، حتی کمتر به این کوچه آمده اند؛ کوچه های خاکی بی جان و جدول کشی شده و مسیری که نه آب داشت و نه برق، اما همسایه ها برای آبادی محله شان همه پای کار آمدند و به مرور، برق و آب و آسفالت و حتی مسجد و مدرسه هم به خیابان قائم مقام آمد. همدلی و مهربانی و شکسته نفسی همسایه های این کوچه مثال زدنی است؛ به طوری که سخت راضی به گفت و گومی نشوند و هر کدام همسایه دیگری را به عنوان یکی از بهترین های محله معرفی می کنند.

● مرکز مشاوره محله

ثریا خانم، از همسایه های قدیمی کوچه قائم مقام ۴۶ است که اکثر اهالی از او و همسرش به خوبی و خیر خواهی نام می برند و از خانه آن ها به نام مرکز مشاوره یاد می کنند. یکی از همسایه ها در وصف ثریا سعادتمند می گوید: او و همسرش در قدیم معتمد محله بودند؛ اگر همسایه ای با همسایه و حتی درون خانواده به مشکلی برمی خوردند، یک راست به خانه ثریا خانم می رفتند. ثریا خانم سعادتمندم که خودش تا چند سال قبل منبری بود و درس اخلاق و زندگی در محافلش برپا بود، می گوید: همان زمان هم یکی از توصیه های من به همسایه داری بود. همسایه ها باید تا ۱۰ خانه دور و اطراف خود را بشناسند و از حال و احوال هم خبردار باشند. او از اعتماد همسایه های قدیم به هم می گوید که خیلی راحت خانه و زندگی شان را به هم می سپردند و خاطرشان جمع بود که اتفاقی نمی افتد؛ بارها پیش می آمد که وقتی همسایه ای می خواست برود سفر، کلید خانه اش را به همسر می سپرد.



● تحمل سختی ها در کنار هم

علی آقا شعبان زاده را ثریا خانم به عنوان همسایه ای با اخلاق، صبور و کارراه انداز معرفی می کند؛ فردی که مشکل همسایه را مشکل خودش می داند و بی هیچ توقع و منتی، کاری را که از دستش بر بیاید، انجام می دهد. علی آقا و خانواده اش حدود سه دهه قبل از محله گاز به اینجا آمدند. به گفته اهالی آبادانی محله به همت همسایه های قدیمی از جمله آقای شعبان زاده بود که هیئت امنایی راه انداخته بود و برای آباد شدن محله وقت می گذاشت. او تعریف می کند: ما چند نفر بودیم که برای آسفالت و جدول کشی این کوچه دوندگی ها کردیم. یک شلنگ صد متری خریده بودیم و از تانکر آب که در ورودی وکیل آباد بود، آب به خیابان قائم مقام می آمد، برای آب شرب محل. اگر آن همدلی ها نبود، زندگی اینجا واقعاً سخت بود. علی آقا از ماندگاری رفاقت همسایه های قدیمی را همین یکرنگی و صداقت در رفتار می داند؛ اینکه دلسوز هم بودند و به هم اعتماد داشتند. به گفته او حالا این جنس همسایه داری کم کم دارد افسانه می شود.

● پایه پای کارگرا

شعبان زاده از همسایه ای به نام اکبر آقا نی ساز می گوید که چهل سال قبل، از محله شلوغ و پررفت و آمد چهارراه خواجه ربیع به اینجا آمد. درباره اش می گوید: در مرام و معرفت و خیرخواهی اکبر آقا هر چه بگویم، کم گفته ام؛ معمار کاربلدی که وقت ساخت مسجد امیرالمؤمنین (ع) بدون هیچ چشمداشتی پایه پای کارگرا می کرد. خود اکبر آقا هم می گوید: وقتی اینجا آمدیم نه از وسیله نقلیه عمومی خبری بود، نه از جاده و خیابان آسفالت. پیکان وانتی داشتیم که گاه اگر همسایه های خواستند به شهر بروند، می بردشان. حتی اگر مایحتاجی نیاز داشتند، سفارش می دادند و برای خریدش مضایقه نمی کردم. او می گوید: از آدمیزاد یک خوبی می ماند، یک بدی. چه خوب است طوری با اهل محله تا کنیم که اگر یک روز به هر دلیلی از جمع همسایه ها رفتیم از رفتنمان ناراحت باشند، نه خوشحال. پشت سرمان به نیکی یاد کنند نه بدی.



پرکردن دست اندازها

با اقدام نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۱، دست اندازهای بولوارهای معلم، دانشجو، آموزگار، سیدرضی، مهران و فرهنگ هم سطح مسیر شدند. طی این پروژه و ظرف بیش از یک ماه، لکه گیری آسفالت در بیش از شصت نقطه انجام گرفته است. باین اقدام، دست اندازهای این بولوارها پر شد تا رانندگان، ایمن رانندگی کنند.



کانال معلم به آزادی رسید

کانال جمع آوری آب های سطحی بولوار معلم به شبکه یکپارچه در بزرگراه آزادی متصل شد. این پروژه در راستای رفع مشکلات مربوط به آب گرفتگی معابر در زمان بارش های رگباری اجرایی شد. اتصال این دو مسیر کانال بعد از چهار ماه کار اجرایی توسط نیروهای اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱ و با اعتباری ۱۷ میلیارد ریالی انجام شد.

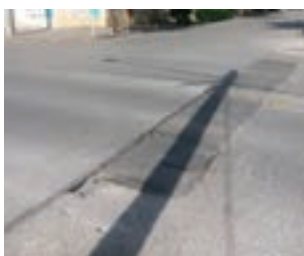
کاستن از مخاطرات اجتماعی

بوستان یا قوت این هفته، میزبان برنامه ای متفاوت بود. برنامه آسیب شناسی اجتماعی به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ۱۱ و با همکاری گروه تخصصی پزشکی پیشگیری اجتماعی دانشکده پزشکی مشهد برگزار شد. این پویش با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره آسیب های اجتماعی اجرا شد.

مسیر تخریب شده کانال خیابان شهید قاسمی
با پیگیری شهرآرامش محله مرمت شد

ایمن عبور کنید

بهشتی هفته گذشته را با چند تماس از سوی اهالی خیابان شهید قاسمی در محله سیدرضی آغاز کردیم؛ شهروندان از مسیر تخریب شده کانال ابراز نگرانی کرده بودند و درخواست مرمت مسیر را داشتند. خوشبختانه پیگیری های شهرآرامش از اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۱ در کمتر از ۴۸ ساعت، نتیجه داد و این مسیر بازسازی شد. نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۱ بعد از نظیف و بررسی میزان آسیب به کانال، اقدام به بتن ریزی و آسفالت کردند تا مسیر به حالت قبل برگردد و وسایل نقلیه در شرایطی ایمن تردد کنند.



بازخورد

●● چهار فصل، مشکل داریم

مشغول عکاسی و قدم زدن در طول خیابان عزیزیه هستیم که با شهروند دیگری روبه روی شویم. مرتضی خازنی بعد از اینکه داستان گزارش ما را می‌فهمد، شروع به صحبت می‌کند: همسایه‌ها چند باری نامه برای آسفالت مسیر نوشته‌اند برای مسئولان اما کاری انجام نشده است. من نمی‌گویم فقط برای من یا ساختمان شش واحدی ما، راه را آسفالت کنید! الان زمین‌های ضلع روبه روی باغ کامل ساخته شده و از ساکنان پرسیده است. این‌ها همه چند میلیارد پول داده‌اند و به امیدی راهی این نقطه از شهر شده‌اند. حالا درست است که وضع زندگی ما این باشد؟ واقعا با آمدن مهمان از گل و شل خیابان خجالت می‌کشیم. از سمت امیریه نشانی می‌دهیم تا کسی این وضعیت را نبیند.

او می‌گوید: این خیابان، مسیری است که بهار و تابستانش یک جور مشکل دارد و پاییز و زمستانش یک جور بدتر؛ یقین دارم هیچ‌کدام از مدیران شهرداری حاضر نیستند در چنین شرایطی زندگی کنند.

●● اجرای کامل پروژه بعد از عقب نشینی باغ

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ ضمن تأیید صحبت‌های شهروندان و مشکلات ساکنان خیابان عزیزیه، خبر خوبی برای آن‌ها دارد و می‌گوید: شرایط سطح این خیابان در ماه‌های اخیر برای تردد شهروندان مطلوب نبوده و به همین دلیل در اولویت‌های عمرانی منطقه قرار گرفته است.

مرتضی محمدی منش اشاره می‌کند که ضریب سکونت این مسیر ماه‌ها قبل، از حد نصاب مدنظر عبور کرده اما برای تسطیح و آسفالت موانعی وجود داشته است، او توضیح می‌دهد: در بخش زیادی از ضلع شمالی خیابان عزیزیه، باغ عامل زاده کشیده شده است که باید تملک و عقب نشینی آن تکمیل می‌شد تا به واسطه کاهش هزینه‌ها و خروجی مطلوب، مسیر به صورت یکپارچه همسطح سازی و آسفالت شود. متأسفانه تا الان تخریب و عقب نشینی دیوار میسر نشده است. او ادامه می‌دهد: با اینکه موانع هنوز هم وجود دارد، شهرداری منطقه ۱۲، آقای خداشناس دستور دادند تا توجه به میزان نارضایتی شهروندان، مسیر فعلی زیرسازی، جدول‌گذاری و آسفالت شود. در حال حاضر هم پیمانکار منطقه، پروژه‌ای در منطقه ۱۲ در حال اجرا دارد که بعد از پایان آن، همسطح سازی و آسفالت خیابان عزیزیه را آغاز می‌کند.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ درباره زمان تکمیل پروژه اضافه می‌کند: دورترین زمانی که برای زیرسازی و آسفالت خیابان عزیزیه پیش بینی می‌کنیم، پایان تابستان است؛ هرچند من احتمال می‌دهم که خیلی زودتر از این تاریخ، مسیر نو و جدید برای ساکنان احداث شود.



●● اینجا شبیه شهر نیست

وقتی از ابتدای بولوار امیریه و از طریق معابر فرعی به خیابان عزیزیه می‌رسیم، مانند این است که یک باره از شهر به یک نقطه دور افتاده یا رها شده پرتاب شده ایم. در یک سوی خیابان، دیواری کاهگلی و آجری کشیده شده است که خیابان خاکی را از باغی بزرگ جدا می‌کند و مسیر خیابان هم پراز گل و شل و گودال‌هایی است که با آب باران پر شده است. جز ساختمان‌های نوساز و مدرن هیچ چیز اینجا حتی شبیه یک محدوده شهری برخوردار هم نیست، چه برسد به نوین شهر!

آن‌هایی که به امید زندگی در یک محدوده شهری زیبا و پر امکانات در این خیابان خانه خریده‌اند، حالا شرایط به وجود آمده ناراضی هستند. یکی از آن‌ها امین اخلاقی است. او می‌گوید: وضعیتی که در خیابان عزیزیه هست، نه در شأن محله و خانه و زندگی ماست نه در شأن یک شهر! زمانی که اینجا خانه خریدیم، کلی پول عوارض و هزینه‌های دیگر را به شهرداری پرداخت کردیم، اما کوچک‌ترین خدمتی دریافت نکردیم. چطور می‌شود مدیران شهرداری تا این اندازه به این محدوده شهری بی‌تفاوت باشند؟ شما ببینید بعد از باران مسیر اینجا چه وضعی دارد! از این باران سه روز می‌گذرد و تازه وضعیت ما این است.

پاسخ شهرداری به درخواست اهالی امیریه
برای آسفالت یک معبر پرترد

تابستان، عزیزیه نوم می‌شود

بهشتی! وقتی ابرها برای بارش باران در آسمان به هم می‌رسند و شهروندان به این هوا لب‌خند می‌زنند، اهالی خیابان عزیزیه نگران می‌شوند که با جمع شدن آب باران وسط خیابان و گل و شل بعد از آن چه کنند. وقتی هم خبر از باران نیست، نگران باد و گرد و خاک و آلودگی‌های هوا هستند. اگر هیچ‌کدام از این دردسرها هم نباشد، فکر دست‌اندازهای مسیر و آسیب به ماشین‌شان و تردد مهمان‌ها در خیابان زخمی و نازیبا هستند.

خلاصه که وقتی پای صحبت‌شان می‌نشینیم، متوجه می‌شویم یک مسیر ناهموار و مشکلاتش چقدر باعث سلب آرامش اهالی محله امیریه شده است.



چهره جدید برای شاهنامه ۳۰ و ۳۲

دومعبر دیگر در محدوده بولوار شاهنامه، بعد از زیرسازی و جدول‌گذاری آسفالت شد. پروژه آسفالت خیابان شاهنامه ۳۰ به مساحت هشتصد مترمربع و اعتباری ۶ میلیارد ریالی و خیابان شاهنامه ۳۲ با مساحتی در حدود ۱۵۰۰ مترمربع و اعتباری ۱۰ میلیارد ریالی اجرایی شد تا این دومسیر از وضعیت خاکی خارج شود.

نجات گیاهان از دست‌آفات

این روزها نیروهای فضای سبز منطقه ۱۲، برای حفاظت از پوشش گیاهی با سم پاش‌های بزرگ در بوستان‌ها و فضای سبز معابر به جان‌آفات و حشرات افتاده‌اند. این عملیات هم‌زمان با گرم شدن هوادر پنج بوستان بزرگ منطقه آغاز شده است و در روزهای آینده در سایر فضاهای سبز محلی نیز اجرا خواهد شد.

دختران «نیایش» آماده امداد رسانی

۵۱۴ دانش‌آموز دختر دبیرستان نیایش در محله جاهد شهر با کمک‌های اولیه آشنا شدند. گروه دوام‌ثامن شهرداری منطقه ۱۲ طی دو ماه، این دانش‌آموزان را با روش‌های احیای قلب، رسیدگی به تشنج، برخورد با انواع خون‌ریزی و خفگی آشنا کرد. آشنایی با این اقدامات، در زمان بروز حادثه می‌تواند کمک‌کننده و نجات‌بخش باشد.



شهر خبر



فاطمه شوشتری | معاون فرهنگی و اجتماعی
شهرداری منطقه ۱۲ از تجهیز مساجد این منطقه به امکانات ورزشی خبر داد.
آن‌طور که مصطفی عباسی به شهرآرامحله گفت، طرحی که از سال ۱۴۰۲ آغاز شده، با تأمین اعتبار در سال ۱۴۰۴ سر گرفته شده است.

او درباره مساجد تجهیز شده گفت: مساجد حضرت فاطمه الزهرا^(س) در بولوار عصمتیه، امام حسن مجتبی^(ع) در بولوار شاهنامه، محمد رسول‌الله^(ص) در بولوار نقویه، حضرت زینب^(س) در بولوار امیریه، صاحب‌الزمان^(عج) در شمس‌آباد و الزهرا^(س) در کلاته برفی، تاکنون به وسایل ورزشی مجهز شده‌اند.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۲ ادامه داد: طی هفته آینده، مسجد جوادالائمه^(ع) در بولوار اقدسیه و مسجد صاحب‌الزمان^(عج) انتهای بولوار شاهنامه بعد از رفع نمدگی مجهز به وسایل ورزشی می‌شوند تا فضای مناسب ورزش بانوان فراهم شود.

عباسی اضافه می‌کند: در قالب همین طرح، امسال اولین گود باستانی مسجدی هم در بولوار امیریه و در مسجد امیرالمؤمنین^(ع) احداث خواهد شد.



از سرگیری یک طرح ورزشی
در منطقه ۱۲

تجهیز مساجد برای ورزشکاران

ابتکارات جمشیدلامی، مدیر دبیرستان فردوسی، باعث شد دانش آموزان به درس خواندن مشتاق شوند

مهر مدرسه، در دل پسران توس

داستان جلد



فاطمه شوشتری ایست و چهارسالی می شود جمشیدلامی با عشق و علاقه ای که به ورزش دارد، رخت معلم ورزش به تن کرده است. در همه سال ها تبحرش در فوتبال و فوتسال، این دورشته مورد پسند پسرها، از او برای دانش آموزان یک دوست صمیمی ساخته است. رفیقی که «صد» خودش را برای دانش آموزانش می گذارد.

بعد از سال ها معلمی، او از سه سال قبل، مدیر دبیرستان فردوسی در خیابان شاهنامه ۶۹ شده است. امضای این حکم به نامش، آغازگر راهی شد که سال ها رؤیایش را در ذهن می پروراند: تبدیل مدرسه ای در منطقه محروم به مدرسه هوشمند و اجرای سیستم آموزشی به روز برای ارتقای دانش آموزان.

او که در ۲۴ سال گذشته خودش خواسته است در مناطق محروم معلم و مدیر باشد، حالا طی سه سال با همان رؤیا از دبیرستان فردوسی که فرسوده و در فهرست مدارس تخریبی بود، مدرسه ای هوشمند ساخته است که والدین برای ثبت نام فرزندانشان در آن، صف می کشند.

به باور آن هایی که پسرانشان محصل این مدرسه اند، او اصل معلم بودن را که خدمت به علم است، تمام و کمال در این مدرسه اجرا کرده، اما هنوز خود لامی معتقد است آخرین رسالت حضورش در این مدرسه باقی مانده و دوست دارد قبل از رفتنش آن را انجام دهد: یعنی ساخت مدرسه ای جدید به نام فردوسی به جای این ساختمان قدیمی در محله فردوسی.

● عاشق خدمت در منطقه محروم بودم

لامی بزرگ شده محدود به طلب است. به قول خودش از زمین های خاکی رشد کرده و خودش راهش را پیدا کرده است. در دبیرستان مهدی زاده محصل رشته برق شده، اما عشق پایه تویی او را به تغییر رشته کشانده است تا بتواند در رشته تربیت بدنی ادامه دهد. با ثبت نام در رشته تربیت بدنی در مدرسه ای در میدان سعدآباد هم کلاس کارمانی فر، ترکی، قهرمانی و سخنران شده است؛ درسمان که تمام شد تصمیم گرفتیم معلم بشویم تا تابستان ها بیشتر به ورزش برسیم. من و آقایان ترکی، سخنران و کارمانی فر با هم معلمی را از منطقه محروم تبادل شروع کردیم. البته من فرزند شهید بودم و طبق قانون می توانستم از روز اول در داخل شهر و بهترین مدرسه ها معلم باشم. ولی خودم درخواست خدمت در منطقه محروم را دادم و از سال ۱۳۷۹ تا به امروز در منطقه تبادلان و مدارس محروم مانده ام.

● دنبال گرفتن نیمکت جدید راه افتادم

لامی عاشق ورزش در آخر شهریور سال ۱۴۰۱ وقتی در اداره تبادلان کار اداری داشت، خیلی اتفاقی پیشنهاد مدیریت دبیرستان فردوسی را گرفت. تا آن روز این مدرسه را ندیده بود؛ تعریف می کند: یکی از همکاران سابق مدرسه هم آنجا بود که چند پیشنهاد داد. اولین توصیه اش این بود که حتما در ساعت حضور بچه ها در ورودی مدرسه را چند قفله کنم. دوم اینکه روی دیوارها حفاظ بکشم تا پسرها از مدرسه فرار نکنند! با این حرف فکرم دگرگین شد مگر مدرسه زندان است که من زندانبان این

هم بیشتر می شود. همچنین آزمون جامع برخط و حضوری در مدرسه تعریف شد که پسرها را به تلاش بیشتر ترغیب می کرد. اوسال اول برای اجرای این سیستم در مدرسه، به ازای هر دانش آموز ۸۰ هزار تومان از جیب خودش هزینه کرد؛ برای من ارتقا و پیشرفت این بچه ها مهم تر از هر چیزی بود و امروز که دو سال از آن روزها گذشته نه تنها پشیمان نیستم، بلکه به نظرم از جیب خرج کردن برای این راه خیلی ارزش داشت.

او با این روش به اندازه ای تغییر در روند تحصیل پسرهای محله فردوسی ایجاد کرده است که الان والدین خودشان هزینه سالانه سیستم هوشمند را می دهند.

● من واسطه هستم

لامی معتقد است به خاطر دل پاک و صاف دانش آموزان محروم اگر کسی دنبال کارشان بیفتد، خیلی زود به نتیجه دلخواه می رسد؛ یک روز پسرها آمدند و از معلم ریاضی مدرسه گلایه کردند. این معلم ریاضی سال اول تدریسش بود و داخل کلاس بعد چند دقیقه درس، مشغول خواندن کتاب می شد. نامه ای به آموزش و پرورش برای تغییر معلم نوشتم و خودم افتادم دنبال پیدا کردن معلم خوب. اتفاقی با آقای کیخواه؛ در اداره آشنا شدم. خودش مؤسسه ای برای تیزهوشان داشت و نمونه دولتی هادنبال جذبش بودند. رضای اش کردم و الان هم برای پسران من به همان روشی که در نمونه دولتی مطهری تدریس می کند، زحمت می کشد و پایه ریاضی را قوی کرده است.

● ترک تحصیل کم شد

دبیرستان فردوسی تنها مدرسه محدود به تبادلان است که هوشمند شده و مجهز به سیستم آموزشی جدیدی است. آن طور که لامی می گوید، این تغییرات باعث پیشرفت تحصیلی پسران این محدوده شده و مثال

بچه ها باشم! به همین دلیل روز اول مهر که برای اولین بار وارد مدرسه شدم، به همه پسرها اعلام کردم «از امروز قرار نیست در مدرسه بسته باشد. همه برای تحصیل اینجا هستند و قول می دهم برای آموزش بهتر شما همه کار کنم. هر کس نمی خواهد می تواند برود و هر کس هم رفت، دیگر برنگردد». بعد از چند روز، دو پسر از دبیرستان فرار کردند. با حضور والدینشان هم برگشت دوباره را قبول نکردم و با تغییراتی که در فضا و آموزش دادم، دیگر کسی از این مدرسه که پیش تر فرار در آن روال بود فرار نکرد، حتی با وجود قفل نبودن در.

او می گوید: داخل کلاس ها خراب تر از نمای بیرون مدرسه بود. صندلی های فلزی به قدری شکسته و بارها جوش خورده بودند که دیگر جای جوش نداشت. وقتی صندلی می شکست، خیلی از پسرها مجبور به نشستن روی زمین بودند. کلاس ها هم رنگ و رو رفته بود. برای اینکه پسرها را علاقه مند به تحصیل کنم باید اول کلاسشان را درست می کردم. از روزهای اول افتادم دنبال گرفتن نیمکت جدید. هر روز ساعت ۷ نشده، قبل از معاون نوسازی داخل دفترش می نشستم تا بپایید. بیشتر از یک ماه هر روز رفتم و آدم تا موفق شدم فقط برای یکی از کلاس ها نیمکت نو بگیرم. البته دست برنداشتم. آن قدر این کار را ادامه دادم و به مسئولان رواندا ختم که آن ها هم دیدند نمی توانند از دست من خلاص شوند، برای کل ۱۸۰ دانش آموز نیمکت نو دادند. او بعد از آن، کلاس ها را مجهز به سیستم هوشمند کرد تا بتواند آموزش را ارتقا دهد.

● از جیب گذاشتن ارزش داشت

برای لامی، دیدن رفت و آمد بدون انگیزه دانش آموزان، سخت بود. از نظر خودش سیستم آموزش را قدیمی، آن ها را به این روز انداخته بود. می گوید: باید سیستم آموزش را در مدرسه تغییر می دادم. با چند معلم نمونه مشورت و سیستم «مدیر، رادر مدرسه پیاده کردم. در این روند آموزشی، دانش آموان از همه نظر سنجش می شوند و حتی باید تکلیف را طبق آن به موقع انجام دهند. تسلط والدین بر وضعیت فرزندانشان

علم و اخلاق دانش آموزان تغییر کرده است

محمد طاهاصفیری که امسال کلاس نهمی است، یکی از دستاوردهای حضور مدیر جدید رانقay سطح آموزش می داند و می گوید: باتلاش های آقای لامی، معلم های خوبی جذب مدرسه شدند. معلم ریاضی و زبان انگلیسی عوض شد. الان همه ما به این دودرس علاقه مند شده ایم. مثلاً خود من دوست دارم حسابدار شوم. حتی زبان انگلیسی ما پیشرفت کرده و کمترین نمره کلاس ما ۱۶ است. در حالی که قبلاً حتی نمی توانستیم درست دیکته زبان بنویسیم. آن طور که محمد طاهامی گوید: آقای لامی اصلاً اهل تنبیه نیست، بلکه حسن رفتار و شهرتش در داوری باعث شده است بچه ها جذبش شوند، اخلاقشان را خوب کنند و حرف گوش کن باشند تا جایی که هنوز حرف از دهانش در نیامده، همه می گویند: چشم.

● با دعای خیر این پسر ها زنده ام

جمشید لامی معتقد است صفا و عشقی را که در دل دانش آموزان مناطق محروم هست، نمی توان جای دیگر پیدا کرد؛ بچه هایی که اتفاقاً بسیار با استعدادند. او دوست دارد تا آخرین روز خدمتش در منطقه محروم بماند و آرزویش نوسازی این مدرسه است.

در باره روند نوسازی مدرسه هم چنین تعریف می کند: مدرسه را آسفالت کردم. کوچه مجاورش که خاکی بود دانش آموزان همیشه باید در زمستان از میان گل ولای می آمدند، با پیگیری آسفالت شد. اما خود دبیرستان حداقل شصت سال سن دارد و باید نوسازی شود. با پیگیری از اداره کل نوسازی، نقشه های نوسازی آن هم تهیه و حتی مقرر شد در انتهای حیاط، ساخت ساختمان جدید شروع شود. اما متأسفانه اداره کل میراث فرهنگی اجازه نداد. میراث فرهنگی زمین این مدرسه را برای توسعه آرامگاه می خواهد. در ازای آن باید زمین جدیدی برای ساخت مدرسه بدهد که امیدوارم تا روزی که اینجا هستم، بتوانم این زمین را بگیرم و ساخت مدرسه جدید شروع شود.

● همه چیز درس نیست

برای لامی در کنار درس، تفریح پسر ها خیلی اهمیت دارد. خودش از پنجره اشاره ای به ورزش دانش آموزان کرده و تعریف می کند: باید انرژی این پسر ها درست خالی شود. روز اول که حکم مدیریت را گرفتم، به آقای سخندان زنگ زدم تا معلم ورزش مدرسه ام شود. پسر ها دوست دارند حرفه ای ورزش کنند. با حضور او استعداد بچه ها کشف شد. الان از مدرسه سه دانش آموز فوتسال نیست داریم و آقای کهن از همین مدرسه در ده نوجوانان در لیگ کشوری فوتبال بازی می کند. همچنین دانش آموز دیگری در تیم ملی نونهالان توپ می زند.

البته لامی با کمک سخندان، یک روز تفریح به جای تحصیل، را هم در برنامه ماهیانه مدرسه اجرا کرده اند. طبق آن، هر ماه دانش آموزان یک روز بدون کیف به مدرسه می آیند و با حضور معلم هادر مسابقات فوتسال، فوتبال دستی، طناب کشی و پینگ پنگ، بگ به رقابت با هم می پردازند.

آن، کم شدن تعداد ترک تحصیل کرده هاست.

اومی گوید: سال اول حضورم در مدرسه، از ۶۸ دانش آموز که امتحان نهایی داده بودند و طبق معدل باید انتخاب رشته می کردند، فقط یک دانش آموز در رشته های نظری پذیرفته شد. از طرف دیگر فقط شصت درصد برای ثبت نام در پایه دهم پرونده گرفتند و بقیه مرا جعه نکردند؛ این یعنی چهل درصدشان ترک تحصیل کردند.

طبق توضیحات این مدیر مدرسه با تغییرات ایجاد شده در روند آموزش، نه تنها تعداد ترک تحصیل کرده ها کاهش یافته و بیشتر از ۷ درصد نیست، بلکه تعداد قبولی هادر رشته های نظری افزایش یافته است. حالاً دانش آموزان راحت ترمی توانند در رشته مورد علاقه شان وارد شوند. اومی گوید: در امتحانات نهایی سال گذشته ۲۸ دانش آموز در رشته تجربی (گروه الف)، ۲۵ نفر در رشته ریاضی (گروه الف) و ۳۵ نفر هم در رشته انسانی (گروه الف) پذیرفته شدند و دو دانش آموز مان هم به نمونه دولتی راه پیدا کردند. حالاً برای ثبت نام در مدرسه هر سال کلی متقاضی داریم. حتی از تربت جام و منزل آباد برای ثبت نام می آیند. سال گذشته در سایت حدود ۱۳۰ نفر بیشتر از ظرفیت مدرسه برای آزمون ورودی این مدرسه دولتی ثبت نام کرده بودند.

بدون چشم داشت تلاش می کند

زهر ا نظری، مادر پنج دختر و پسر است که فرزندانش در چند مدرسه مختلف تحصیل می کنند. او تأکید می کند: هیچ مدیری همچون آقای لامی، دلسوز دانش آموزان نیست و می گوید: من خودم دیدم که برای تغییر معلم ریاضی و گرفتن معلم خوب چه تلاشی کرد. چند روز مریض شد و حتی به خاطر بیماری، دندان هایش آسیب دید و دست برداشت و برای بچه های ما معلم نمونه آورد. او حتی برای پسران ما آقای سخندان، داور ملی و بین المللی، را به عنوان معلم ورزش به مدرسه آورد که با اخلاق و برنامه های نشاط دانش آموزی اش باعث شده است پسرانمان به تحصیل علاقه مند شوند. آقای لامی از همه نظر هوای بچه ها را دارد. نزدیک ایام نوروز چند تن از بچه های مدرسه را که اوضاع مالی مناسبی ندارند با همراهی مادرانشان برای خرید برده و همه هزینه هارا خودش داده است. حتی به وقت تهیه لباس فرم اگر خانواده ای دستش تنگ باشد از جیب خودش پرداخت می کند.

زهر انظری می گوید: شاید باورتان نشود که برای این همه تلاش از او تا کنون حتی یک بار هم از سوی آموزش و پرورش تقدیر نشده است و آقای لامی بدون چشم داشت خود جوش چنین اقداماتی را در محله انجام داده است.

بالا رفتن سطح علمی دانش آموزان

اولیا در دبیرستان فردوسی همراه خوبی برای مدیر و معلمان هستند. مریم جعفری این را به زحمت های جمشید لامی برای دانش آموزان مدرسه ربط می دهد و می گوید: قبل از آمدن آقای لامی، بالاینکه در ورودی راقفل می کردند. پسر ها از روی دیوار مدرسه بیرون می پریدند و فرار می کردند. اما با کارهای آقای لامی و ارتباط خوب و دوستانه با بچه هایمان، الان در مدرسه باز است ولی یک نفر هم از درس فرار نمی کند. موضوع مهم تر این است که سطح علمی بچه هایمان بالا رفته است. شاید باورتان نشود ولی با جان و دل برای پسر های ما زحمت می کشد. وقتی با سختی زیاد آقای کیخواه را به عنوان معلم ریاضی به این مدرسه آورد، چند مدرسه نمونه دولتی به دنبال جذب او بودند و می خواستند او را از این مدرسه بگیرند. آقای لامی آن قدر دوندگی کرد و برای نگهداشتن این معلم نمونه تلاش کرد که به خاطر بیماری قلبی اش دوشب در بیمارستان بستری شد.

محسن محمدزاده پای پاچال تنها نانوائی آخر محله آزادشهر بزرگ شد

یکشنبه‌ها بهترین روز هفته بود



محله‌گردی

ایستگاه
اول

سیرجانی‌امرحوم پدرش نانوا بود و او اواخر دهه ۶۰ از طرف اتحادیه نانواها به او پیشنهاد داده بودند در یکی از سه محله مدنظرشان نانوائی راه اندازی کند؛ بولوار سجاده، سه راه کوکا و انتهای بولوار امامت که به شهرک شهید هاشمی نژاد معروف بود. اما هنوز ساکنانش به شمار انگشتان یک دست نمی‌رسیدند. پدر، بنا به سلیقه و اعتقاد خودش، محله ای را که نام یکی از انقلابیون روی آن بود، برای احداث نانوائی انتخاب کرد و بعد از آن، سوخت تنها نانوائی محله را با گاز و پیل و آبش را از تانکری که در باغ آستان قدس و در صد قدمی نانوائی بود، تأمین می‌کرد. محسن محمدزاده که چند سالی کنار دست پدر در نانوائی پاچال داری کرده است، خاطرات بسیاری از این محله و مردمش دارد. این نانوائی هنوز در خیابان امامت ۷۰ فعال است و نام این محله آزادشهر است.



نانوائی سنگک پدرم اولین نانوائی شهرک بود. من همه ایام هفته مستقیم از مدرسه به درمغازه می‌آمدم تا پای پاچال بایستم. آن زمان یکشنبه‌ها را خیلی دوست داشتم؛ چون روز تعطیلی نانوائی بود.

ایستگاه
دوم

در دهه ۶۰ و ۷۰ سرگرمی و بازی این همه تنوع نداشت. هفته ای یک بار با دو چرخه از خانه تا پارک ملت رکاب می‌زدیم. آن زمان پنجشنبه‌ها سیرکی در پارک برنامه داشت. گاهی با بچه‌های محله قرار می‌گذاشتیم پول توجیبی‌ها را جمع کنیم برای رفتن به سیرک و سررمزگشایی و فهمیدن ترفندها.



ایستگاه
سوم

زمین خالی وسط باغ امامت ۷۰ یک منبع آب بزرگ داشت. هر چند وقت یک بار از چاهی که داخل باغ حفاری شده بود، آب را با پمپ به درون منبع هدایت می‌کردند. خاطرم هست تابستان‌ها که مصرف آب زیاد بود، همیشه دعوای آب برپا بود.



ایستگاه
چهارم

ایستگاه
پنجم

علی آقامحمدزاده، ساکن قدیمی و همسایه روبه‌رویی نانوائی ماست. ایشان ماشین سنگینی خریده و به دل جاده می‌زند و کمتر در مشهود است. هر وقت که سفر نباشد، سری به من می‌زند و خاطرات قدیم را با هم مرور می‌کنیم.



زمین‌های اینجا آستانه ای است و سرسبزی اینجاست. یکی دود ده قبل به خاطر درخت‌هایش بود. در باغی که منبع آب بود، چند درخت بزرگ توت کاشته شده بود که الان هم هست. آقاموسی نگهبان باغ، تابستان که می‌شد، همسایه‌ها را به توت خوردن دعوت می‌کرد.



آخر بولوار جلال آل احمد، یکی دیگر از باغ‌های آستانه است. اسمش باغ بود؛ اما درخت مثمری نداشت. یک دیوار کاهگلی کوتاه داشت که آن طرفش دیده می‌شد. پشت دیوار یک سیلگاه بود که موقع گرمی هوا جوان‌ترها برای آب تنی به آنجا می‌رفتند.



ایستگاه
ششم



مراسم ویژه دهه کرامت با محوریت حضور دختران در توس برگزار شد

جشن کرامت، عامل همبستگی

بهشتی | حرکت همه خودروهاتنا انتهای ترین نقطه از بولوار شاهنامه ادامه دارد. درکنار مسیر سواره روهم جمعیت بایای پیاده به سمت آرامگاه فردوسی و پارک جلوخان پیش می رود. نزدیک بوستان جلوخان، صدای نمابندی در وصف دختران به گوش می رسد. اهالی توس با شور و نشاط از پارک جلوخان تا آرامگاه فردوسی را پر کرده اند. حضور دختران پررنگ تر است؛ زیرا این مراسم به یمن مقام دختر و در آستانه دهه کرامت تدارک دیده شده است.

● سرآغاز ۱۰ روز جشن محلی

مراسم دهه کرامت در توس به همت اهالی و گروه های مردمی برگزار شده است. بنیاد فرهنگی شاهنامه، بنیاد مردمی شهدای چهاربرج، گروه پاتوق دختران، اهالی مساجد توس و شورای

اجتماعی محلات توس پای کار آمده اند تا در ابتدای دهه کرامت، جشن روز دختر را با حضور اهالی برگزار کنند. علی درودی، از اهالی محله فردوسی، می گوید: در این برنامه، بخش آواهای ایرانی، اجرای تئاتر، شاهنامه خوانی، نمایش رستم و سهراب، اجرای سرود، مدیحه سرایی و پذیرایی تدارک دیده شده است. او ادامه می دهد: این مراسم سرآغاز جشن های دهه کرامت در توس است که اهالی از سه محله بزرگ حاضر می شوند تا با یکدیگر همدل و همراه شوند. ان شاء... در ادامه، مساجد برنامه های بعدی را برگزار می کنند و از اهالی سایر محلات دعوت می شود. در جشن امروز به طور ویژه از دختران قدردانی می شود.

● نشاط عمومی در برنامه فرهنگی

بانوان توس نقش اول برگزاری این برنامه هستند و سعی کرده اند با ایده پردازی و همراهی با بزرگ ترهای محله یک مراسم خوب را رقم بزنند. مریم نظری، از اهالی محله فردوسی، می گوید: متأسفانه سال هاست که به نشاط و شادابی اهالی توس به ویژه دختران و پسران کم سن و سال توجهی نمی شود. امسال خود اهالی پای کار آمدند تا جشن های مردمی را از کوچه و خانه و مسجد محله به فضاهای بزرگ محدوده توس بیاورند تا یک شور و نشاط عمومی شکل بگیرد. در این برنامه های عمومی، اهالی توس هم به یکدیگر نزدیک تر می شوند



و همدل تر برنامه ها را پیش می برند. محدثه شفیعی از اعضای پاتوق دختران است و می گوید: ما امروز این برنامه را برگزار می کنیم و دوباره به مساجد و پایگاه های محلی خودمان برمی گردیم. درخواست ما این است که فضای پارک جلوخان برای مراسم بیشتری در اختیار اهالی توس قرار بگیرد تا برنامه های بزرگ فرهنگی و مذهبی، پای ثابت زندگی اهالی توس باشد.

● انتظار این همه توجه را نداشتیم

مهدیه حسینی یکی از دخترانی است که در این مراسم از سوی جمعیت حاضر حسابی تشویق شد. او به جایگاه رفت و جایزه خود را دریافت کرد. مهدیه همین چند ماه پیش در مسابقات قرآنی شهرستان مقام کسب کرد. مهدیه می گوید: من نمی دانستم در محل زندگی ما، مردم این قدر حواسشان به بچه های محله به ویژه دختران هست. اول در مدرسه از من قدردانی کردند، بعد در مسجد محله؛ در دوره قرآن کوچه خودمان هم کلی به من تبریک گفتند و امروز هم اینجا دختران و اهالی توس به من لطف داشتند. او می گوید: این تقدیرها و دیده شدن ها به برکت قرآن است و به من انگیزه می دهد تا بیشتر از گذشته تلاش کنم. در جشن های دهه کرامت امسال در محدوده منفصل توس، توجه ویژه به دختران محلات است. این مراسم در روزهای پیش رو با همت و یاری گروه های مردمی در مساجد حضرت ابوالفضل (ع)، امام علی (ع)، صاحب الزمان (عج) و مدارس منتخب این محدوده شهری برگزار خواهد شد و از دختران موفق در حوزه های علمی و ورزشی و دختران فعال محلی قدردانی می شود.

تشویق هایشان به من انگیزه می دادند.

رزمی کار موفق محله سیدرضی از تاثیر کیک بوکسینگ بر زندگی اش می گوید

رشد شخصیتی با ورزش



فاطمه سیرجانی | تا همین یکی دو هفته قبل به جز دوستان صمیمی اش هیچ کدام از هم کلاسی ها و حتی کادر مدرسه نمی دانستند یکی از دانش آموزان مدرسه «شاهد وصال» از قهرمانان کشوری در رشته کیک بوکسینگ و نانچیکو است. نگار ملانوروزی بیشتر سرگرم تمرین و تلاش است و کمتر از موفقیتش می گوید. این نوجوان کلاس نهمی محله سیدرضی، با همین تلاش و پشتکار توانست در مهرماه ۱۴۰۳ مقام دوم رشته کیک بوکسینگ کشوری را به دست آورد.

● از چه سنی به سراغ ورزش رفتی؟

سال اول دبستان بودم که مادرم مرا در باشگاهی نزدیک منزل برای رشته بسکتبال ثبت نام کرد. اما علاقه چندانی به آن نداشتم و بعد از یک سال تصمیم گرفتم رشته ورزشی ام را عوض کنم. این طور شد که به سراغ کیک بوکسینگ رفتم.

● دلیل علاقه ات به رشته کیک بوکسینگ چه بود؟

من شخصیتی درون گرا دارم. تا قبل رفتن به سراغ ورزش های رزمی، وقتی از چیزی خیلی ناراحت یا عصبانی می شدم، درون خودم می ریختم. به توصیه یکی از دوستان برای تخلیه هیجانات درونی تصمیم گرفتم یکی از رشته های رزمی را انتخاب کنم و از تیرماه سال گذشته بابت نام در باشگاه، تمریناتم را آغاز کردم.

● در نخستین مسابقه رسمی ای که شرکت کردی، حس و حالت چطور بود؟

مسابقه در یکی از باشگاه های مشهد برگزار شد و استرس زیادی

● پیش آمده است فنون رزمی ای را که در باشگاه آموزش دیده ای، بخواهی بیرون از تشک استفاده کنی؟

به شوخی بین دوستان بله، اما به صورت جدی خیر البته اگر در شرایطی قرار بگیرم که احساس خطر کنم از آن فنون استفاده می کنم. فکر می کنم آموزش دفاع شخصی برای همه، چه دختر و چه پسر، ضروری است تا در مواقع خطرات احتمالی بتوانند از خود دفاع کنند.

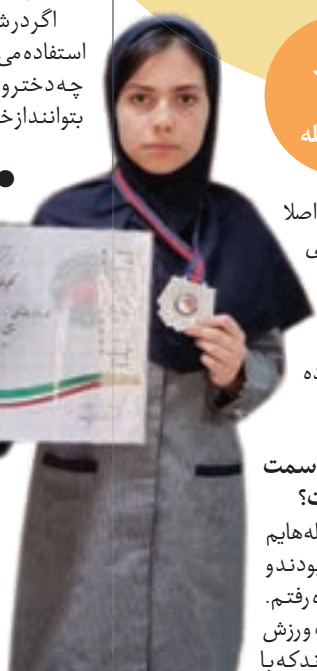
● این ورزش را تا چه مرحله ای می خواهی ادامه دهی؟

بارها به المپیک و بالاترین پرچم کشورم در میادین بین المللی فکر کرده ام و دوست دارم این روز را ببینم. برای آینده شغلی هم مربیگری در این رشته را در نظر دارم.

● به درس هم مثل

ورزش اهمیت می دهی؟

در مدارس شاهد، اکثر دانش آموزان سطح علمی بالادارند و معدلشان ۲۰ است. من سعی کردم جزو دانش آموزان بانمرا تا عالی باشم اما ورزش و دغدغه های باشگاه و تمرینات گاهی باعث افت تحصیلی ام می شود. با این حال معدل من تا به الان ۱۹ کمتر نشده است.



داشتم، آن قدر که فکر نمی کردم بتوانم اصلا وارد زمین شوم، چه برسد به اینکه مقامی کسب کنم. اما صحبت های مربی در کم کردن استرس خیلی تأثیر داشت. با همه نگرانی و دلشوره ای که داشتم، توانستم مقام دوم مسابقات کشوری رده نوجوانان را کسب کنم.

● مشوق اصلی ات در رفتن به سمت ورزش حرفه ای چه کسی بوده است؟

برادر بزرگم بسکتبال بازی می کند. دختر خاله هایم هم قبل من، ورزش رزمی را شروع کرده بودند و در حقیقت به پیشنهاد آن ها به باشگاه رفتم. اما مشوق اصلی برای حرکت به سمت ورزش قهرمانی و ادامه این مسیر، خانواده بودند که با



برای آشنایی بیشتر با کاتالوگ شهرآرامحله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد QR را اسکن کنید



راسته دیوار باغ آستانه، خوابگاه تاکسی‌هایی
است که برای خرید و فروش به این کوچه آورده
می‌شوند. یکی دیگر از ظرفیت‌های این کوچه وجود
حدود ۱۰ بنگاه خرید و فروش تاکسی است که اینجارا
به پارکینگ تاکسی‌ها تبدیل کرده است.



وجود انواع کارگاه‌های خدمات خودرویی
از ظرفیت‌های این کوچه است. ساکنان آن
اغلب با گرفتن پروانه تجاری، پارکینگ یا طبقه
همکف را تبدیل به مغازه تعمیر خودرو کرده‌اند.



خوابگاه تاکسی‌ها

فاطمه سیرجانی اخیابان جلال آل احمد ۷۱. آخرین کوچه این بولوار است که تادوده قبل به کوچه ته
آزادشهر، یا کوچه آخر امامت شناخته می‌شد. او خردده ۶۰ اداره جهادسازندگی وقت مشهد. تعدادی
از زمین‌های قطعه بندی شده این کوچه را به کارمندان و اگذار کرد. با احداث بولوارهای امامت و در
ادامه جلال آل احمد. ساخت و ساز در این قسمت از محله آزادشهر رونق گرفت. به گفته قدیمی‌های
محله، این کوچه قبل از احداث پل اندیشه، شاه‌راه عبور و مرور خودروهایی بوده که از این مسیر قصد
رفتن به قاسم‌آباد یا همان شهرک غرب را داشته‌اند.



مسجد امام رضا (ع) را سال ۵۹ آستان قدس رضوی
در یک طبقه بنا کرد، اما با افزایش جمعیت محله،
خیران تصمیم به توسعه و بازسازی آن گرفتند. با
همت سرهنگ منصوری و جعفرزاده و دیگر خیران
محلی، سال ۱۳۹۷ مسجد در سه طبقه بنا شد.



یکی از کسبه قدیمی محله سعیدآقا با وجدان
است که بیش از سی سال در این محله آرایشگاه دارد.
پدر سعیدآقا از کارمندان اداره جهادسازندگی بوده
که سال ۵۸ قطعه زمینی حدوداً دو بیست متری را به
۵ هزار تومان می‌خرید.

در این کوچه، یک مغازه فروش و اجاره
ابزارآلات باغبانی هم دیده می‌شود. پیام
طباطبایی حدود هشت سال می‌شود که این
حرفه را برای خود راه انداخته و بیشتر کارش،
همکاری با فضای سبز شهرداری منطقه است.